Supreme National Defense University Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Strategic Knowledge

https://smsnds.sndu.ac.ir E-ISSN: 2980-8413

Vol. 16, No. 2, Issue. 64, Summer 2026 **Received:** 2025/11/28 **Accepted:** 2026/06/11

Research paper

Macro-Level Leadership in Short-Term Crises: A Qualitative Analysis of the Twelve-Day War Between Iran and Israel

Ali Asghar Abdeshahi
PhD Student in Public Administration, Department of Management, Faculty of Management and Economics, Lorestan University, Khorramabad, Iran.
Email: abdeshahi.aa@fh.lu.ac.ir

Abstract

Managing short-term and unexpected crises, such as military conflicts, requires the integration of cognitive, organizational, and governance processes. This study aims to explain the role of macro-level leadership in managing short-term national crises by examining the Twelve-Day War between Iran and Israel (June 13–25, 2025). Using qualitative content analysis, the study examines the positions and actions of the Leader of the Islamic Revolution and the President of Iran across three phases of the crisis: onset, peak, and conclusion. Data were collected from speeches, official statements, and reports published by reputable media outlets. The findings indicate that macro-level leadership helped contain the initial shock, strengthen deterrence, and facilitate social recovery through three principal mechanisms: framing the crisis and reinforcing national cohesion; integrating institutions and resources to enable a rapid response; and employing public diplomacy to strengthen international legitimacy. By emphasizing the dynamic interaction among these components, crisis containment, and social recovery, the proposed framework offers a context-specific model for defense and security policymaking. The findings further highlight the critical role of cognitive processes in decision-making, institutional coordination in resource mobilization, and public diplomacy in strengthening legitimacy.

Keywords: Macro-Level Leadership, Crisis Management, Twelve-Day War, National Cohesion, Cognitive Leadership

پژوهشکده مطالعات راهبردی دانشگاه ملی

فصلنامه مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی

سال شانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۶۴)، تابستان ۱۴۰۵، صص. ۱۷۷-۲۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۷ ـ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۱

مقاله پژوهشی

رهبری کلان در بحران‌های کوتاه‌مدت: تحلیل کیفی جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل

علی‌اصغر عبدشاهی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

Email: abdeshahi.aa@fh.lu.ac.ir

چکیده

مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت و غافلگیرکننده مانند درگیری‌های نظامی نیازمند تلفیق فرایندهای شناختی، سازمانی و حکمرانی است. این پژوهش با هدف تبیین نقش رهبری کلان در مدیریت بحران‌های ملی کوتاه‌مدت، جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل (۲۳ خرداد تا ۴ تیر ۱۴۰۴) را بررسی کرده است. با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، مواضع و اقدامات رهبر انقلاب و رئیس‌جمهور در سه فاز شروع، اوج و پایان بحران تحلیل شدند. داده‌ها از سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها و گزارش‌های رسانه‌ای معتبر گردآوری شدند. یافته‌ها نشان داد که رهبری کلان با قاب‌بندی بحران و تقویت انسجام ملی، یکپارچه‌سازی نهادها و منابع برای پاسخ سریع و دیپلماسی عمومی و تقویت مشروعیت بین‌المللی، شوک اولیه را مهار، بازدارندگی را تقویت و بازسازی اجتماعی را تسهیل کرد. چهارچوب پیشنهادی، با تمرکز بر تعامل پویای این مؤلفه‌ها و مهار بحران و بازسازی اجتماعی، الگویی بومی برای سیاست‌گذاری دفاعی و امنیتی ارائه می‌دهد. نتایج نقش کلیدی فرایندهای شناختی در تصمیم‌گیری، هماهنگی نهادی در بسیج منابع و دیپلماسی عمومی در مشروعیت را تأیید کرد.

کلیدواژه‌ها: رهبری کلان، مدیریت بحران، جنگ دوازده‌روزه، انسجام ملی، رهبری شناختی.

صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.

مقدمه

بحران‌های کوتاه‌مدت و غافلگیرکننده، مانند درگیری‌های نظامی ناگهانی یا بلایای طبیعی شدید، به‌دلیل فشردگی زمانی و فشارهای چندوجهی، ظرفیت‌های حکمرانی و توانایی‌های رهبری کلان را به چالش می‌کشند. در چنین شرایطی، تصمیم‌گیری سریع، هماهنگی نهادی و مدیریت منابع در فضایی آکنده از عدم‌قطعیت ضرورت دارد. جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل (۱۴۰۴) نمونه‌ای برجسته از این وضعیت بود که با حملات غافلگیرانه، ترورهای هدفمند و خسارات گسترده همراه شد و نقش رهبر انقلاب و رئیس‌جمهور را در قاب‌بندی بحران، بسیج منابع و هدایت دیپلماسی عمومی برجسته ساخت.

این پژوهش با هدف تبیین نقش رهبری کلان در مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت نظامی، به تحلیل جنگ دوازده‌روزه می‌پردازد تا چهارچوبی بومی برای سیاست‌گذاری دفاعی ارائه دهد. این بحران، به‌دلیل ابعاد چندلایه (نظامی، سیاسی، اجتماعی) و فشردگی زمانی، فرصتی منحصربه‌فرد برای پر کردن خلأ تحلیل یکپارچه فرایندهای شناختی، نهادی و حکمرانی فراهم کرد (کالینز و همکاران[1]، ۲۰۲۳؛ حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

مرور ادبیات میان‌رشته‌ای مدیریت بحران نشان می‌دهد که موفقیت در مواجهه با چنین شرایطی بیش از هر چیز به کیفیت تصمیم‌گیری رهبران، هماهنگی نهادی و سازوکارهای حکمرانی بستگی دارد. پژوهش‌های بین‌المللی تأکید کرده‌اند که قاب‌بندی شناختی و روایت‌سازی رهبران می‌تواند عدم‌قطعیت را کاهش دهد و انسجام ملی را تقویت کند (کالینز و همکاران، ۲۰۲۳؛ باچا و نیستن[2]، ۲۰۲۴). «بوزان»[3] (۱۹۹۱) نشان داد که قاب‌بندی به معنای فرایند معناپردازی تهدیدات و اولویت‌بندی استراتژیک است که از طریق روایت‌سازی، افکار عمومی را هدایت می‌کند. همچنین، مثلث‌سازی در این پژوهش به ترکیب منابع داده‌ای متنوع (متون رسمی، گزارش‌های رسانه‌ای، تحلیل‌های ثانویه) برای افزایش اعتبار یافته‌ها اشاره دارد (دنزین[4]، ۲۰۰۹). همچنین، وجود ساختارهای نهادی منعطف و شفافیت در تصمیم‌گیری به

1. Collins, Dasborough, Gregg, Xu, Deen & Restubog
2. Bacha & Niesten
3. Buzan
4. Denzin

تنظیم جریان اطلاعات و اختیارات در شرایط بحرانی کمک می‌کند (شِدلر و همکاران[1]، ۲۰۲۲؛ بهات و صبا[2]، ۲۰۲۵). در سطح سازمانی نیز بسیج منابع و حفظ اعتماد بین‌سازمانی، کلید افزایش هماهنگی عملیاتی است (دینو و همکاران[3]، ۲۰۲۴). بااین‌حال، بیشتر این مطالعات بر بحران‌های سازمانی یا بلندمدت تمرکز داشته‌اند و کم‌تر به درگیری‌های نظامی کوتاه‌مدت و چندلایه پرداخته‌اند.

در ایران نیز پژوهش‌های داخلی به نقش نخبگان، نهادها و دیپلماسی عمومی در مدیریت بحران توجه داشته‌اند.

حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)، نشان داده‌اند که نخبگان سیاسی از طریق قاب‌بندی تهدیدات و انسجام‌بخشی اجتماعی، تاب‌آوری ملی را تقویت می‌کنند، هرچند شکاف بین عملکرد نخبگان و انتظارات جامعه همچنان چالش‌برانگیز است.

بصیری و همکاران (۱۴۰۱)، اهمیت ساختارهای نهادی منعطف و فناوری اطلاعات را در بهبود هماهنگی بحران نشان داده‌اند؛ امری که با تشکیل ستاد مدیریت بحران در جنگ دوازده‌روزه قابل‌مشاهده بود.

کوچک‌زاده و گودرزی (۱۴۰۰)، نیز نقش دیپلماسی عمومی را در بازدارندگی استراتژیک برجسته کرده‌اند؛ مشابه پیام‌های رسانه‌ای رئیس‌جمهور در این بحران که مشروعیت بین‌المللی ایران را تقویت کرد. با وجود این، تحلیل یکپارچه سه مؤلفه رهبری شناختی، مدیریت رفتار سازمانی و حکمرانی بحران در زمینهٔ بحران‌های نظامی کوتاه‌مدت همچنان محدود است. این مطالعه درصدد پُرکردن این خلأ پژوهشی است.

نوآوری آن در ارائه چهارچوبی میان‌رشته‌ای و بومی است که تعامل پویا میان فرایندهای شناختی (مانند قاب‌بندی «جنگ تحمیلی» و روایت‌سازی پیروزی)، مدیریت رفتار سازمانی (بسیج منابع و هماهنگی نهادی از طریق ستادهای بحران) و حکمرانی بحران (دیپلماسی عمومی و شفافیت نهادی) را توضیح می‌دهد. این چهارچوب نه‌تنها با زمینه فرهنگی و سیاسی

1. Schaedler, Graf-Vlachy & König
2. Bhat & Saba
3. Dino, Ismail & Nori

ایران سازگار است بلکه الگویی عملیاتی برای سیاست‌گذاری دفاعی و امنیتی ارائه می‌دهد که می‌تواند در مواجهه با تهدیدات چندلایه آینده به‌کار گرفته شود.

براین‌اساس، هدف کلی پژوهش تبیین نقش رهبری کلان در مدیریت بحران‌های ملی کوتاه‌مدت و غافلگیرکننده با تمرکز بر حوزه‌های دفاعی و امنیتی است. اهداف جزئی شامل بررسی فرایندهای شناختی رهبران در قاب‌بندی و اولویت‌بندی تهدیدات، تحلیل مدیریت رفتار سازمانی در بسیج و هماهنگی منابع و ارزیابی سازوکارهای حکمرانی بحران در جریان اطلاعات و دیپلماسی عمومی است. پرسش‌های اصلی به این شرح است؛ نخست؛ رهبران چگونه مسائل را قاب‌بندی و اولویت‌بندی می‌کنند؟ دوم، چگونه منابع انسانی و نهادی را بسیج و هماهنگ می‌کنند؟ سوم، سازوکارهای حکمرانی بحران چگونه بر تصمیم‌گیری اثر می‌گذارند؟ و چهارم، الگوهای بهینه تصمیم‌گیری در بحران‌های کوتاه‌مدت چیست؟

فرضیه‌های پژوهش نیز بر این پایه شکل گرفته‌اند: ۱) فرایندهای شناختی رهبران کیفیت تصمیم‌گیری را بهبود می‌بخشند؛ ۲) مدیریت مؤثر منابع، انسجام و هماهنگی نهادی را افزایش می‌دهد؛ ۳) سازوکارهای حکمرانی بحران نقش تعدیل‌کننده در کارآمدی تصمیم‌ها دارد؛ ۴) ترکیب این سه مؤلفه چهارچوبی بهینه برای مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت فراهم می‌کند. این پژوهش با مطالعه موردی جنگ دوازده‌روزه با «رویکرد غیرجانبدارانه»[۱]، الگویی بومی برای سیاست‌گذاری دفاعی و امنیتی ایران ارائه می‌دهد که به ادبیات مدیریت بحران در حوزه‌های دفاع و امنیت غنا می‌بخشد.

۱. پیشینه پژوهش

مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت، مانند درگیری‌های نظامی ناگهانی، نیازمند تلفیق رویکردهای میان‌رشته‌ای است که رهبری کلان را در شرایط پیچیده و فشرده زمانی تحلیل کنند. این پژوهش با تمرکز بر جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل (۲۳ خرداد تا ۴ تیر ۱۴۰۴)، چهارچوبی

۱. منظور از «رویکرد غیرجانبدارانه» در این پژوهش آن است که تحلیل‌ها در سطح علمی و مدیریتی، بر مبنای شواهد و چهارچوب‌های نظری صورت گرفته و فاقد هرگونه سوگیری یا جانبداری سیاسی هستند.

مبتنی بر سه مؤلفه کلیدی ارائه می‌دهد: رهبری شناختی، مدیریت رفتار سازمانی و حکمرانی بحران. نظریه پایه این پژوهش بر تلفیق نظریه‌های رهبری شناختی (بوزان، ۱۹۹۱)، هماهنگی سازمانی (دینو و همکاران، ۲۰۲۴) و حکمرانی بحران (شِدلر و همکاران، ۲۰۲۲) استوار است که تعامل پویای این مؤلفه‌ها را برای مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت توضیح می‌دهد. در ادامه، مفهوم‌شناسی متغیرها، ادبیات نظری و تجربی ادغام‌شده، چهارچوب نظری و مدل مفهومی تشریح می‌شود.

ادبیات مدیریت بحران نشان می‌دهد که موفقیت در بحران‌های کوتاه‌مدت به ترکیب سه محور کلیدی وابسته است: رهبری شناختی، مدیریت رفتار سازمانی و حکمرانی بحران. در سطح بین‌المللی، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که قاب‌بندی شناختی بحران به‌عنوان فرصت انسجام، ظرفیت تاب‌آوری ملی را افزایش می‌دهد (کالینز و همکاران، ۲۰۲۳) و هویت اجتماعی رهبران، مسیر تصمیم‌گیری و تعاملات گروهی را شکل می‌دهد (گلیبس[1]، ۲۰۲۴). همچنین، برنامه‌ریزی پیشگیرانه و هماهنگی نهادی (هالگرن و بوکانان[2]، ۲۰۲۴) و شفافیت خطوط تصمیم‌گیری (آلبرز و همکاران[3]، ۲۰۲۴) عناصر حیاتی رهبری کارآمد در بحران‌اند.

در سطح داخلی نیز یافته‌ها بر نقش نخبگان سیاسی در انسجام اجتماعی و تقویت تاب‌آوری ملی (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸)، اهمیت مدیریت دانش در سازمان‌های نظامی (بصیری و همکاران، ۱۴۰۱) و اثر دیپلماسی عمومی بر بازدارندگی استراتژیک (کوچک‌زاده و گودرزی، ۱۴۰۰)، تأکید دارند. این شواهد با نمونه‌های عینی جنگ دوازده‌روزه، از قاب‌بندی رهبری انقلاب تا پیام‌های رسانه‌ای رئیس‌جمهور، هم‌خوانی دارد.

همچنین، پژوهش‌های جدید بر ضرورت هماهنگی نهادی (عباسی[4]، ۲۰۲۵)، نقش رویدادهای نظامی در تقویت ملی‌گرایی روزمره (وینتور[5]، ۲۰۲۵) و اثر آموزش در بهبود عملکرد بحرانی (فراهی‌مندنیا و کریمیان کاکولکی[6]، ۱۴۰۴)، تأکید می‌کنند. با وجود این، خلأ

1. Gleibs
2. Hällgren & Buchanan
3.Albers, Marynissen & Van Den Oord
4. Abbasi
5. Wintour
6. Farahmandnia & Karimiankakolaki

مهمی در ارائه یک چهارچوب بومی و یکپارچه برای تحلیل بحران‌های نظامی کوتاه‌مدت در ایران وجود دارد. پژوهش حاضر با تمرکز بر جنگ دوازده‌روزه در پی پُرکردن این شکاف است. جدول (۱)، مروری بر پژوهش‌های پیشین است.

جدول ۱: پیشینه تجربی پژوهش

نویسنده/ نویسندگان	عنوان مقاله	نتایج کلیدی
جِراب[1] (۲۰۲۴)	بررسی مدیریت بحران	حمایت مدیران ارشد به‌طور غیرمستقیم و از طریق تعهد عاطفی بر کارآفرینی تأثیر دارد.
حمید[2] (۲۰۲۴)	ارتباطات داخلی بحران: بررسی علل و پیامدها از دیدگاه مدیریتی	شفافیت ارتباطات و اعتماد بین‌سازمانی تعیین‌کننده موفقیت مدیریت بحران است.
لبافی، ربیعی و رجبی[3] (۲۰۲۴)	تحلیل و طبقه‌بندی نظرات کاربران توییتر درباره بحران خشک‌سالی در ایران با استفاده از تکنیک‌های یادگیری ماشین	الگوریتم‌های یادگیری ماشین قادر به تشخیص احساسات و نگرش‌ها با دقت بالا هستند.

۲. مفهوم‌شناسی

رهبری شناختی: این رویکرد بر فرایندهای ذهنی رهبران در قاب‌بندی بحران، ارزیابی مخاطرات و تصمیم‌گیری تحت عدم‌قطعیت متمرکز است. بوزان (۱۹۹۱) نشان داد که امنیت ملی صرفاً نظامی نیست بلکه به معناپردازی اجتماعی وابسته است. قاب‌بندی مؤثر بحران، انسجام اطلاعات و تقویت هم‌بستگی ملی را ممکن می‌سازد (کالینز و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین، تصمیم‌گیری سریع و هدفمند در شرایط فشار، زیان‌های بحرانی را کاهش می‌دهد (باچا و نیستن، ۲۰۲۴).

1. Jerab
2. Hamid
3. Labafi, Rabiei & Rajabi

هماهنگی نهادی و بسیج منابع: این مؤلفه بر بسیج منابع انسانی و حفظ انسجام بین‌سازمانی در بحران‌های کوتاه‌مدت تأکید دارد. برخلاف مدیریت رفتار سازمانی که بر انگیزه‌ها و رفتارهای فردی در سازمان‌ها تمرکز دارد، هماهنگی نهادی به مدیریت ارتباطات بین‌سازمانی و بسیج منابع برای پاسخ‌دهی سریع اشاره دارد (دینو و همکاران، ۲۰۲۴). هماهنگی سریع میان واحدها ظرفیت عملیاتی را افزایش می‌دهد (دینو و همکاران، ۲۰۲۴). در سطح نهادی نیز ساختارهای منعطف و بهره‌گیری از فناوری اطلاعات کارایی سازمان‌های نظامی در پاسخ‌دهی بحرانی را بهبود می‌بخشند (بصیری و همکاران، ۱۴۰۱).

حکمرانی بحران: حکمرانی کارآمد مستلزم چهارچوب‌های نهادی روشن، شفافیت تصمیم‌گیری و جریان مؤثر اطلاعات است. نهادینه‌سازی این سازوکارها موجب تنظیم ارتباطات و کاهش ابهام می‌شود (شِدلر و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین، دیپلماسی عمومی و شفافیت نهادی مشروعیت مواضع ملی را ارتقا داده و بازدارندگی استراتژیک را تقویت می‌کند (بهات و صبا، ۲۰۲۵؛ کوچک‌زاده و گودرزی، ۱۴۰۰).

۳. چهارچوب نظری و مدل مفهومی

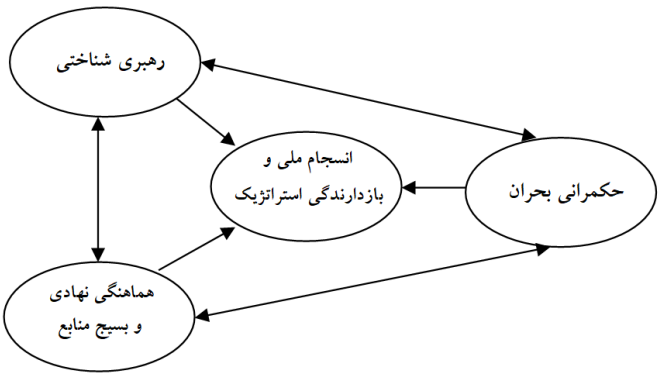
چهارچوب نظری این پژوهش براساس تلفیق سه نظریه کلیدی شکل گرفته است: نظریه امنیت ملی بوزان (۱۹۹۱) برای رهبری شناختی، نظریه هماهنگی سازمانی دینو و همکاران (۲۰۲۴) برای بسیج منابع و نظریه حکمرانی بحران شِدلر و همکاران (۲۰۲۲) برای مدیریت نهادی و دیپلماسی عمومی. این چهارچوب با تحلیل ادبیات موجود و مطالعه موردی جنگ دوازده‌روزه توسعه یافت تا تعامل پویای این مؤلفه‌ها را در شرایط بحرانی تبیین کند. فرایند ساخت مدل شامل شناسایی مفاهیم کلیدی از ادبیات (مانند قاب‌بندی، هماهنگی و شفافیت نهادی)، تحلیل متون بحران (سخنرانی‌ها و بیانیه‌ها) و تلفیق آن‌ها در یک چرخه سه‌گانه بود (شکل ۱). این مدل با منابع داخلی (بصیری و همکاران، ۱۴۰۱) و بین‌المللی (کالینز و همکاران، ۲۰۲۳) پشتیبانی می‌شود.

رهبری شناختی: معناپردازی بحران (مانند قاب‌بندی «جنگ تحمیلی» در جنگ دوازده‌روزه).

هماهنگی نهادی و بسیج منابع: هم‌افزایی میان سازمان‌ها و نهادها برای مدیریت کارآمد منابع و پاسخ سریع به بحران (مانند تشکیل ستاد بحران).

حکمرانی بحران: دیپلماسی عمومی و بازدارندگی استراتژیک (مانند پیام‌های رسانه‌ای رئیس‌جمهور).

فلش‌های دوطرفه بین این مؤلفه‌ها، تعامل پویا را نشان می‌دهند و خروجی مدل، انسجام ملی و بازدارندگی استراتژیک است. این مدل برای سیاست‌گذاری دفاعی و امنیتی ایران، به‌ویژه در مواجهه با تهدیدات چندلایه، کاربرد دارد.



شکل ۱: مدل مفهومی چرخه رهبری کلان در بحران‌های کوتاه‌مدت

۴. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد تحلیل محتوای کیفی هدایت‌شده (حسیه و شانون[1]، ۲۰۰۵) انجام شد تا نقش رهبری کلان در مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت، به‌ویژه جنگ

1. Hsieh & Shannon

دوازده‌روزه ایران و اسرائیل (۲۳ خرداد تا ۴ تیر ۱۴۰۴)، بررسی شود. این رویکرد به‌دلیل توانایی آن در استخراج الگوهای معنایی از متون و مستندات مرتبط با بحران انتخاب شد که امکان تحلیل عمیق مواضع و اقدامات را فراهم می‌کند. ماهیت اکتشافی موضوع که نیازمند شناسایی الگوهای بومی در مدیریت بحران بود، تحلیل محتوای کیفی را به روشی مناسب تبدیل کرد، زیرا این روش با اهداف مطالعات امنیتی ایران هم‌راستا است (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

۴-۱. جامعه و نمونه‌گیری

جامعه پژوهش شامل ۱۸ متن رسمی (شامل سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، مصاحبه‌ها و گزارش‌های رسانه‌ای) از بازهٔ زمانی ۲۳ خرداد تا ۲۲ تیر ۱۴۰۴ بود که از منابع معتبر داخلی (تابناک، مهر، دیپلماسی ایرانی، «پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری»[1]، پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری) و بین‌المللی (اورشلیم پست[2]، آی‌پی خبر[3]، آکسیوس[4]) گردآوری شدند. روش نمونه‌گیری هدفمند بود و تنها متونی انتخاب شدند که مستقیماً به مدیریت بحران و جنگ مرتبط بودند. سطح تحلیل پژوهش، گفتمانی-نهادی بود که واحد تحلیل را به متون گفتاری و نوشتاری رسمی محدود کرد تا فرایندهای تصمیم‌گیری و مدیریت بحران در سطح کلان بررسی شود.

۴-۲. گردآوری و تحلیل داده‌ها

داده‌ها از طریق تحلیل محتوای کیفی هدایت‌شده گردآوری و پالایش شدند تا تمرکز بر سه مؤلفه کلیدی حفظ شود: رهبری شناختی، هماهنگی نهادی و بسیج منابع و حکمرانی بحران (حسیه و شانون، ۲۰۰۵). تحلیل داده‌ها در سه سطح کدگذاری انجام گرفت:

1. Khamenei.ir
2. The Jerusalem Post
3. AP News
4. Axios

کدگذاری باز: در این مرحله، مفاهیم اولیه از متون استخراج شدند. برای مثال، «رد تسلیم» (سخنرانی رهبر انقلاب، ۲۸ خرداد ۱۴۰۴: «رد خواسته‌های تسلیم»)، «تشکیل ستاد» (پیام رئیس‌جمهور، ۲۳ خرداد ۱۴۰۴: «تشکیل ستاد مدیریت بحران») و «روایت پیروزی» (بیانیه رهبر انقلاب، ۵ تیر ۱۴۰۴: «اعلام پیروزی ایران») شناسایی شدند.

کدگذاری محوری: مفاهیم اولیه در مقوله‌های اصلی تجمیع شدند، شامل:

- ❖ رهبری شناختی: مانند رد تسلیم و بازدارندگی روانی.
- ❖ هماهنگی نهادی و بسیج منابع: مانند تشکیل ستاد بحران و هماهنگی نیروهای مسلح.
- ❖ حکمرانی بحران: مانند پیام‌های رسانه‌ای و دیپلماسی عمومی رئیس‌جمهور.

کدگذاری انتخابی: تعامل این مقوله‌ها در یک چهارچوب یکپارچه (چرخه رهبری کلان) شکل گرفت که نشان داد چگونه قاب‌بندی شناختی (مانند «جنگ تحمیلی») با بسیج منابع (تشکیل ستاد) و دیپلماسی عمومی (مصاحبه رئیس‌جمهور با تاکر کارلسون، ۱۶ تیر ۱۴۰۴) به مهار شوک اولیه، تقویت بازدارندگی استراتژیک و بازسازی انسجام ملی منجر شد. جدول (۲)، نمونه‌هایی از فرایند کدگذاری را نشان می‌دهد.

جدول ۲: نمونه‌ای از فرایند کدگذاری

کدگذاری	مفهوم	منبع (مثال)	توضیح
باز	رد تسلیم	سخنرانی رهبر، ۲۸ خرداد ۱۴۰۴	تأکید بر مقاومت در برابر فشارهای خارجی
باز	تشکیل ستاد	پیام رئیس‌جمهور، ۲۳ خرداد ۱۴۰۴	هماهنگی نهادی برای پاسخ سریع به بحران
محوری	رهبری شناختی	رد تسلیم، هشدار به آمریکا	قاب‌بندی بحران برای تقویت انسجام ملی
محوری	هماهنگی نهادی	تشکیل ستاد، بسیج منابع	یکپارچه‌سازی منابع برای مدیریت عملیاتی
انتخابی	چرخه رهبری کلان	ترکیب کدها در سه فاز بحران	تعامل پویا بین قاب‌بندی، هماهنگی و دیپلماسی

این فرایند، تصمیم‌گیری، بسیج منابع، هماهنگی نهادی و مدیریت عدم‌قطعیت را به‌صورت نظام‌مند شناسایی کرد. برای مثال، تحلیل متون نشان داد که قاب‌بندی بحران به‌عنوان «جنگ تحمیلی» توسط رهبر انقلاب، انسجام ملی را تقویت کرد، درحالی‌که تشکیل ستاد بحران توسط رئیس‌جمهور، هماهنگی نهادی را بهبود بخشید (بصیری و همکاران، ۱۴۰۱).

۴-۳. اعتبارسنجی و پایایی

برای افزایش روایی یافته‌ها، از مثلث‌سازی منابع استفاده شد که شامل ترکیب داده‌ها از متون رسمی، گزارش‌های رسانه‌ای داخلی و بین‌المللی (مانند آکسیوس، ۲۰۲۵؛ «مرکز مطالعات جنگ»[1]، ۲۰۲۵) و تحلیل‌های ثانویه پژوهشگران بود (دنزین، ۲۰۰۹). برای نمونه، سخنرانی‌های رهبر انقلاب با گزارش‌های آکسیوس (۲۰۲۵) مقایسه شدند تا انسجام داده‌ها تضمین شود. نتایج اولیه توسط سه متخصص مدیریت بحران و خط‌مشی عمومی بازبینی شد که اعتبار مفهومی مدل را با امتیاز میانگین ۴/۵ از ۵ تأیید کردند. پایایی تحلیل از طریق بازبینی مکرر کدها و مقایسه با مطالعات مشابه (کوچک‌زاده و گودرزی، ۱۴۰۰) بررسی شد. همچنین، روش توافق بین کدگذارها نشان داد که دو کدگذار مستقل به توافق ۸۸ درصد رسیدند که دقت و قابلیت اعتماد یافته‌ها را تأیید کرد.

۴-۴. محدودیت‌های پژوهش

مهم‌ترین محدودیت پژوهش، دسترسی صرف به داده‌های عمومی و رسمی بود که تحلیل را به سطح گفتمانی و تصمیمات آشکار محدود کرد. ابعاد پشت‌صحنه تصمیم‌گیری، مانند مذاکرات غیرعلنی، به‌دلیل عدم دسترسی به داده‌های محرمانه بررسی نشدند. این محدودیت، تحلیل عمیق‌تر استراتژی‌های پنهان را که می‌توانند در سیاست‌گذاری دفاعی مؤثر باشند، با چالش مواجه کرد.

1. Institute for the Study of War

۵. یافته‌ها و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

تحلیل ۱۸ متن رسمی (شامل سخنرانی، بیانیه، مصاحبه و گزارش رسانه‌ای) از ۲۳ خرداد تا ۴ تیر ۱۴۰۴ (۱۳ تا ۲۵ ژوئن ۲۰۲۵)، گردآوری‌شده از منابع معتبر داخلی (تابناک، مهر، دیپلماسی ایرانی) و بین‌المللی (آکسیوس، ۲۰۲۵؛ اورشلیم پست، ۲۰۲۵؛ آی‌پی خبر، ۲۰۲۵)، نشان داد که رهبری کلان در جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل ترکیبی پویا از سه مؤلفه بود: رهبری شناختی، هماهنگی نهادی و بسیج منابع و حکمرانی بحران. از این مجموعه، ۵ سخنرانی و اقدام کلیدی رهبر انقلاب (آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای) و ۱۳ سخنرانی و اقدام رئیس‌جمهور (دکتر مسعود پزشکیان) در سه فاز شروع (۲۳–۲۴ خرداد)، اوج (۲۵ خرداد تا ۳ تیر) و پایان (۴ تیر به بعد) بررسی شدند. یافته‌ها نظریه چرخه رهبری کلان را تأیید کردند که تعامل این سه مؤلفه را در مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت نشان می‌دهد (شکل ۱). فرایند کدگذاری به این صورت بود: در کدگذاری باز، مفاهیم اولیه مانند «رد تسلیم» (سخنرانی رهبر انقلاب، ۲۸ خرداد ۱۴۰۴)، «تشکیل ستاد» (پیام رئیس‌جمهور، ۲۳ خرداد ۱۴۰۴)، «روایت پیروزی» (بیانیه رهبر، ۵ تیر ۱۴۰۴)، استخراج شدند؛ در کدگذاری محوری، این مفاهیم در مقوله‌های رهبری شناختی (مانند بازدارندگی روانی از طریق هشدارهای رهبر)، هماهنگی نهادی (مانند تشکیل ستاد برای بسیج منابع و هماهنگی امدادی رئیس‌جمهور) و حکمرانی بحران (مانند دیپلماسی عمومی و تأکید بر حفظ برنامه هسته‌ای توسط رئیس‌جمهور) تجمیع شدند؛ و در کدگذاری انتخابی، تعامل این مقوله‌ها نظریه چرخه رهبری کلان را شکل داد که نشان می‌دهد چگونه قاب‌بندی شناختی (مانند «جنگ تحمیلی» توسط رهبر انقلاب) به بسیج منابع (تشکیل ستاد و بسیج نیروهای مسلح توسط رئیس‌جمهور) و دیپلماسی عمومی (مصاحبه رئیس‌جمهور با تاکر کارلسون[1] و سخنرانی در سازمان ملل) منجر شد (چارمز[2]، ۲۰۱۴). این نظریه، مدل مفهومی ارائه‌شده در شکل (۱)، را تأیید و تکمیل کرد، با تأکید بر نقش فرایندهای شناختی در کاهش عدم‌قطعیت، هماهنگی نهادی در پاسخ‌دهی سریع و حکمرانی بحران در تقویت مشروعیت بین‌المللی و داخلی.

1. Tucker Carlson
2. Charmaz

اقدامات و مواضع رهبر انقلاب و رئیس‌جمهور در جداول زیر خلاصه شده‌اند تا تصویری جامع از نقش آن‌ها در مدیریت بحران ارائه شود. جدول (۳)، اقدامات و سخنرانی‌های رهبر انقلاب و جدول (۴)، اقدامات و سخنرانی‌های رئیس‌جمهور را نشان می‌دهد.

جدول ۳: خلاصه اقدامات و سخنرانی‌های رهبر انقلاب

تاریخ	رویداد / اقدام	خلاصه
۲۳ خرداد ۱۴۰۴	انتصاب فرماندهان جدید نظامی	جایگزینی فوری فرماندهان شهید شده برای حفظ ساختار فرماندهی و قابلیت پاسخ سریع
۲۸ خرداد ۱۴۰۴	سخنرانی تلویزیونی رد تسلیم	رد خواسته‌های تسلیم و هشدار نسبت به مداخله آمریکا
۲۹ خرداد ۱۴۰۴	هشدار درباره آسیب‌های جبران‌ناپذیر	تأکید بر پیامدهای شدید برای آمریکا در صورت حمله
۵ تیر ۱۴۰۴	اولین بیانیه عمومی پس از آتش‌بس	اعلام پیروزی ایران و هشدار به دشمن
۱۴ تیر ۱۴۰۴	اولین حضور عمومی پس از جنگ	حضور در مراسم حسینیه جماران، نشان‌دهنده بازیابی روحیه ملی و استمرار رهبری

جدول ۴: خلاصه اقدامات و سخنرانی‌های رئیس‌جمهور

تاریخ	رویداد / اقدام	خلاصه
۲۳ خرداد ۱۴۰۴	پیام فوری و تشکیل ستاد مدیریت بحران	هماهنگی نیروهای مسلح، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های امدادی برای مدیریت بحران
۲۴ خرداد ۱۴۰۴	موضع‌گیری درباره تجاوز اسرائیل	تأکید بر ذات متجاوزانه اسرائیل و دیپلماسی رسانه‌ای ایران
۳۰ و ۳۱ خرداد ۱۴۰۴	نشست‌های فشرده با وزرا و مدیران استانی	بررسی پیامدهای جنگ و تفویض اختیار
۱ تیر ۱۴۰۴	حضور در میدان و عیادت از مجروحان	افزایش روحیه ملی و حضور میدانی
۲ و ۳ تیر ۱۴۰۴	جلسات اقتصادی و خدمات اجتماعی	تأمین کالاهای اساسی و بازطراحی خدمات اجتماعی

تاریخ	رویداد / اقدام	خلاصه
۱۲ تیر ۱۴۰۴	بازدید میدانی از مناطق آسیب‌دیده	گفت‌وگو با خانواده‌های زیان‌دیده
۳ تیر ۱۴۰۴	پیام پس از آتش‌بس	تشویق به بازسازی و دیپلماسی منطقه‌ای
۵ تیر ۱۴۰۴	جبران خسارات جنگ	تأکید بر تهیه آمار دقیق و برنامه‌های جبرانی
۶ تیر ۱۴۰۴	هشدار درباره خطر گسترش جنگ	اهمیت حفظ آمادگی نظامی و سیاسی
۱۶ تیر ۱۴۰۴	مصاحبه با تاکر کارلسون	تبیین مواضع ایران و آمادگی پاسخ به تهدیدها
۲۲ تیر ۱۴۰۴	تأکید بر دیپلماسی	جلوگیری از تکرار جنگ و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی

۵-۱. تجزیه‌وتحلیل یافته‌ها

یافته‌ها نظریه چرخه رهبری کلان را تبیین کرد که تعامل پویای سه مؤلفه رهبری شناختی، هماهنگی نهادی و بسیج منابع و حکمرانی بحران را در مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت نشان می‌دهد. این نظریه، مدل مفهومی ارائه‌شده در شکل ۱ (بخش مبانی نظری) را تأیید و تکمیل کرد. فرایند کدگذاری به این صورت بود: در کدگذاری باز، مفاهیم اولیه مانند «رد تسلیم» (سخنرانی رهبر، ۲۸ خرداد ۱۴۰۴)، «تشکیل ستاد» (پیام رئیس‌جمهور، ۲۳ خرداد ۱۴۰۴)، «روایت پیروزی» (بیانیه رهبر، ۵ تیر ۱۴۰۴)، استخراج شدند؛ در کدگذاری محوری، این مفاهیم در مقوله‌های رهبری شناختی (مانند بازدارندگی روانی از طریق هشدارهای رهبر به آمریکا در ۲۹ خرداد)، هماهنگی نهادی (مانند تشکیل ستاد برای بسیج منابع و هماهنگی امدادی رئیس‌جمهور در ۲۳ خرداد) و حکمرانی بحران (مانند دیپلماسی عمومی و تأکید بر حفظ برنامه هسته‌ای توسط رئیس‌جمهور در مصاحبه با تاکر کارلسون در ۵ تیر) تجمیع شدند؛ و در کدگذاری انتخابی، تعامل این مقوله‌ها نظریه چرخه رهبری کلان را شکل داد که نشان می‌دهد چگونه قاب‌بندی شناختی (مانند «جنگ تحمیلی» توسط رهبر) به بسیج منابع (تشکیل ستاد مدیریت بحران توسط رئیس‌جمهور) و دیپلماسی عمومی (مصاحبه رئیس‌جمهور با تاکر کارلسون) منجر شد (چارمز، ۲۰۱۴). شکل (۱)، این تعامل را به‌صورت ترسیمی نشان می‌دهد که یافته‌ها آن را با تمرکز بر نقش فرایندهای شناختی در کاهش

عدم‌قطعیت (مانند قاب‌بندی تهدیدات خارجی توسط رهبر برای تقویت انسجام ملی)، هماهنگی نهادی در پاسخ‌دهی سریع (مانند بسیج گسترده نیروهای مسلح توسط رئیس‌جمهور برای مقابله با حملات هوایی اسرائیل) و حکمرانی بحران در تقویت مشروعیت (مانند دیپلماسی عمومی رئیس‌جمهور برای جلب حمایت بین‌المللی و کاهش انزوا) تأیید و گسترش دادند. این نظریه، با ادغام مثال‌های واقعی مانند هشدارهای رهبر به آمریکا برای بازدارندگی و مصاحبه رئیس‌جمهور تأکید بر دیپلماسی، الگویی عملیاتی برای مدیریت تهدیدات چندلایه ارائه می‌دهد.

فاز شروع بحران (۲۳خرداد): رهبری کلان بر پاسخ‌دهی فوری و تثبیت ساختارهای نهادی متمرکز بود. رهبر انقلاب با پیام تلویزیونی اولیه و انتصاب فوری سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی و سرلشکر محمد پاکپور (۲۳ خرداد)، ساختار فرماندهی نظامی را بازسازی کرد و بحران را به‌عنوان «جنگ تحمیلی» قاب‌بندی کرد تا انسجام ملی را تقویت کند (عصر ایران. ۱۴۰۴). این اقدام که ریشه در رهبری شناختی دارد، از فروپاشی زنجیره فرماندهی جلوگیری کرد و با یافته‌های بصیری و همکاران (۱۴۰۱) درباره نقش ساختارهای نهادی منعطف هم‌راستا است. رئیس‌جمهور با پیام فوری محکومیت تجاوز و تشکیل ستاد مدیریت بحران (۲۳ خرداد)، هماهنگی بین نیروهای مسلح، وزارتخانه‌های کلیدی (دفاع، بهداشت، اقتصاد) و سازمان‌های امدادی را برقرار کرد، هم‌زمان با تماس با متحدان مانند روسیه و چین برای جلب حمایت آن‌ها اقدام کرد (تابناک، ۱۴۰۴). موضع‌گیری وی در ۲۴ خرداد علیه «ذات متجاوز» اسرائیل که بخشی از حکمرانی بحران بود، با تأکید بر صلح‌طلبی ایران، مشروعیت مواضع کشور را در سطح جهانی تقویت کرد و فراخوان به وحدت ملی داد (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۱۴۰۴). تحلیل این فاز نشان می‌دهد که قاب‌بندی شناختی اولیه و هماهنگی نهادی سریع، شوک غافل‌گیری حملات اسرائیل به سایت‌های هسته‌ای مانند نطنز و فوردو و ترور فرماندهان را مهار کرد، با پاسخ اولیه ایران شامل پرتاب صدها پهپاد و موشک بالستیک همراه شد. تعامل بین رهبری شناختی (قاب‌بندی تهدید) و هماهنگی نهادی

(تثبیت ساختارها) به حفظ ثبات اولیه کمک کرد و الگویی برای پاسخ‌دهی سریع در بحران‌های نظامی ارائه داد.

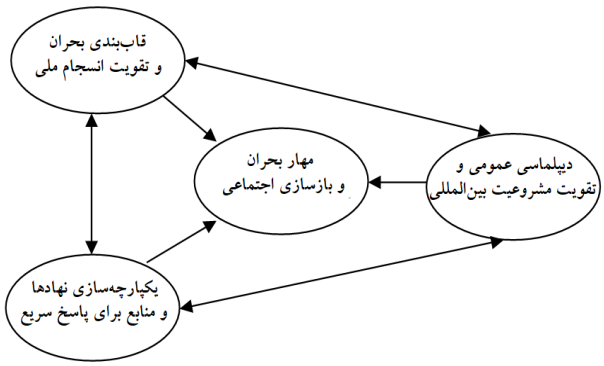
فاز اوج بحران (۲۴ خرداد تا ۳ تیر): رهبری کلان بر مدیریت فشارهای چندلایه و حفظ بازدارندگی استراتژیک تمرکز داشت. سخنرانی‌های رهبر انقلاب در ۲۸ خرداد، با رد خواسته‌های تسلیم و هشدار قاطع به آمریکا و اسرائیل درباره پیامدهای جبران‌ناپذیر، بازدارندگی روانی و ژئوپلیتیکی را تقویت کرد (آکسیوس، ۲۰۲۵؛ مرکز مطالعات جنگ، ۲۰۲۵). این رویکرد که ریشه در رهبری شناختی و حکمرانی بحران دارد، با تحلیل کوچک‌زاده و گودرزی (۱۴۰۰) درباره نقش دیپلماسی عمومی در بازدارندگی هم‌خوانی دارد. رئیس‌جمهور در این فاز با برگزاری نشست‌های فشرده با وزرا در ۳۰ و ۳۱ خرداد (پایگاه اطلاع‌رسانی دکتر پزشکیان، ۱۴۰۴)، حضور میدانی در شهر و عیادت از مجروحان (۱ تیر) و جلسات اقتصادی برای تأمین کالاهای اساسی (۲ و ۳ تیر)، مدیریت عملیاتی و اجتماعی بحران را هدایت کرد، پاسخ نظامی و دیپلماتیک را هماهنگ کرد (برنا، ۱۴۰۴). این اقدامات که نشان‌دهنده هماهنگی نهادی و انسجام ملی هستند، با یافته‌های آلبرز و همکاران (۲۰۲۴) درباره نقش شفافیت خطوط تصمیم‌گیری و گلیبس (۲۰۲۵) درباره تقویت هویت اجتماعی هم‌راستا است. تحلیل این فاز نشان می‌دهد که تعامل پویا بین قاب‌بندی شناختی (هشدارهای رهبر انقلاب)، مدیریت نهادی (اقدامات رئیس‌جمهور) و دیپلماسی عمومی، پاسخ‌دهی مؤثر به تهدیدات چندلایه را تضمین کرد و الگویی برای مدیریت بحران‌های پیچیده ارائه داد.

فاز پایان بحران (۴ تیر به بعد): تمرکز رهبری کلان بر بازسازی روحیه ملی، جبران خسارات و تثبیت دستاوردهای استراتژیک بود. بیانیه رهبر انقلاب در ۵ تیر مبنی بر پیروزی ایران، روایت پیروزی را تثبیت کرد و اعتماد اجتماعی را بازسازی نمود (اورشلیم پست، ۲۰۲۵). حضور عمومی ایشان در مراسم حسینیه جماران در ۱۴ تیر، ثبات رهبری و انسجام ایدئولوژیک را نشان داد (آی‌پی خبر، ۲۰۲۵). این اقدامات که ریشه در رهبری شناختی و وحدت ملی دارند، با تحلیل وینتور (۲۰۲۵) درباره تقویت هم‌بستگی اجتماعی هم‌سوست. رئیس‌جمهور نیز با پیام‌های پس از آتش‌بس (۳ و ۵ تیر)، بازدید میدانی از مناطق آسیب‌دیده

(۱۲ تیر)، مصاحبه با تاکر کارلسون (۱۶ تیر) و تأکید بر دیپلماسی برای جلوگیری از جنگ‌های آینده (۲۲ تیر)، بازسازی اجتماعی و دیپلماسی فعال را هدایت کرد (دیپلماسی ایرانی، ۱۴۰۴؛ خبرآنلاین، ۱۴۰۴). این اقدامات که بخشی از حکمرانی بحران هستند، با تحلیل بهات و صبا (۲۰۲۵) درباره نقش دیپلماسی در تثبیت مشروعیت و با تحلیل عباسی (۲۰۲۵) درباره هماهنگی نهادی هم‌راستا است. تحلیل این فاز نشان می‌دهد که روایت‌سازی پیروزی و دیپلماسی عمومی، نه‌تنها دستاوردهای استراتژیک را تثبیت کرد، بلکه آمادگی ایران برای تهدیدات آینده را تقویت نمود.

تجزیه‌وتحلیل داده‌ها نشان داد که رهبری کلان در جنگ دوازده‌روزه ترکیبی پویا از فرایندهای شناختی، سازمانی و حکمرانی بود که در هر فاز به‌صورت متمایز اما مکمل عمل کرد. در فاز شروع، قاب‌بندی شناختی (مانند «جنگ تحمیلی» در سخنرانی رهبر انقلاب، ۲۸ خرداد ۱۴۰۴) و یکپارچه‌سازی نهادها و منابع برای پاسخ سریع (تشکیل ستاد مدیریت بحران در پیام رئیس‌جمهور، ۲۳ خرداد ۱۴۰۴) شوک اولیه را مهار کرد و ثبات نظامی و اجتماعی را حفظ نمود. در فاز اوج، بازدارندگی روانی (هشدارهای رهبر انقلاب، ۲۹ خرداد ۱۴۰۴) و مدیریت عملیاتی، پاسخ‌دهی مؤثر به تهدیدات چندلایه را تضمین کرد. در فاز پایان، روایت‌سازی پیروزی (بیانیه رهبر، ۵ تیر ۱۴۰۴) و دیپلماسی عمومی (مصاحبه رئیس‌جمهور با تاکر کارلسون، ۱۶ تیر ۱۴۰۴) انسجام ملی و مشروعیت جهانی را تقویت نمود. این تعامل پویا که با یافته‌های حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) درباره انسجام‌بخشی نخبگان، بصیری و همکاران (۱۴۰۱) درباره هماهنگی نهادی و کوچک‌زاده و گودرزی (۱۴۰۰) درباره دیپلماسی عمومی هم‌راستا است، چهارچوبی بومی برای مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت ارائه می‌دهد. شکل ۲، تعامل این مؤلفه‌ها را به‌صورت ترسیمی با داده‌های واقعی و بومی نمایش می‌دهد: قاب‌بندی بحران و تقویت انسجام ملی، یکپارچه‌سازی نهادها و منابع برای پاسخ سریع و دیپلماسی عمومی و تقویت مشروعیت بین‌المللی که به مهار بحران و بازسازی اجتماعی منجر شد. این چهارچوب، با تلفیق رهبری شناختی (قاب‌بندی و روایت‌سازی)، هماهنگی نهادی (بسیج منابع و هماهنگی) و حکمرانی بحران (دیپلماسی و شفافیت نهادی)، الگویی

عملیاتی برای سیاست‌گذاری دفاعی و امنیتی در مواجهه با تهدیدات چندلایه فراهم می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که موفقیت رهبری کلان به توانایی تلفیق این سه مؤلفه در شرایط فشرده زمانی وابسته است که می‌تواند به‌عنوان الگویی برای آمادگی استراتژیک ایران در برابر بحران‌های آینده مورد استفاده قرار گیرد



شکل ۲: مدل بومی چرخه رهبری کلان در بحران‌های کوتاه‌مدت

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

این پژوهش با تحلیل ۱۸ متن رسمی (شامل سخنرانی، بیانیه، مصاحبه و گزارش رسانه‌ای)، چهارچوبی بومی برای مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت و غافلگیرکننده ارائه داد که مدل مفهومی چرخه رهبری کلان در بحران‌های کوتاه‌مدت را تأیید و گسترش می‌دهد. این چهارچوب، تعامل پویای سه مؤلفه کلیدی شامل قاب‌بندی بحران و تقویت انسجام ملی، یکپارچه‌سازی نهادها و منابع برای پاسخ سریع و دیپلماسی عمومی و تقویت مشروعیت بین‌المللی را به‌عنوان الگویی یکپارچه برای سیاست‌گذاری دفاعی و امنیتی در بافت فرهنگی–سیاسی ایران تبیین می‌کند. برخلاف مدل‌های غربی که اغلب بر رهبری فردی یا ساختارهای نهادی متمرکزند (آلبرز و همکاران، ۲۰۲۴). این چهارچوب با تلفیق فرایندهای شناختی، نهادی و حکمرانی، نوآوری خود را در پاسخ به تهدیدات چندلایه نشان می‌دهد و به غنای ادبیات مدیریت بحران در حوزه‌های دفاعی کمک می‌رساند (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

سؤال نخست: رهبران چگونه مسائل را قاب‌بندی و اولویت‌بندی می‌کنند؟ تحلیل‌ها نشان داد که قاب‌بندی بحران و تقویت انسجام ملی، از طریق روایت «جنگ تحمیلی» در سخنرانی رهبر انقلاب (۲۸ خرداد ۱۴۰۴)، عدم‌قطعیت را کاهش داد و انسجام اجتماعی را تقویت کرد. این فرایند، با هدایت افکار عمومی و ایجاد روایت‌های منسجم، تصمیم‌گیری استراتژیک را تسهیل نمود و فرضیه نخست (فرایندهای شناختی کیفیت تصمیم‌گیری را بهبود می‌بخشند) را تأیید کرد. این یافته با مدل‌های شناختی بحران هم‌خوانی دارد که نقش قاب‌بندی در کاهش ابهام را برجسته می‌کنند (کالینز و همکاران، ۲۰۲۳). نوآوری این چهارچوب در بافت ایران، تأکید بر پیوند هویت ملی با بازدارندگی روانی است که از طریق روایت‌سازی منسجم، اعتماد عمومی را در برابر فشارهای خارجی حفظ کرد (وینتور، ۲۰۲۵).

سؤال دوم: چگونه منابع انسانی و نهادی را بسیج و هماهنگ می‌کنند؟ یکپارچه‌سازی نهادها و منابع برای پاسخ سریع، با ایجاد ساختارهای منعطف و هماهنگی نهادهای نظامی، امدادی و اقتصادی (مانند تشکیل ستاد مدیریت بحران در پیام رئیس‌جمهور، ۲۳ خرداد ۱۴۰۴)، پاسخ‌دهی سریع به بحران را تضمین کرد. این فرایند، با تقویت هم‌افزایی بین نهادها، تاب‌آوری عملیاتی و اجتماعی را حفظ نمود و فرضیه دوم (مدیریت مؤثر منابع، انسجام و هماهنگی نهادی را افزایش می‌دهد) را با تمرکز بر هماهنگی نهادی تأیید کرد. این یافته با مطالعات بصیری و همکاران (۱۴۰۱) درباره نقش ساختارهای نهادی منعطف هم‌راستا است و نشان می‌دهد که هماهنگی چندلایه، از طریق بسیج منابع انسانی و زیرساختی، کارایی سامانه حکمرانی را در شرایط فشرده زمانی ارتقا داد. تمایز این چهارچوب در تأکید بر سرعت و انعطاف در بسیج منابع در بافت ایران است که با چالش‌های خاص ژئوپلیتیکی منطقه سازگار است.

سؤال سوم: سازوکارهای حکمرانی بحران چگونه بر تصمیم‌گیری اثر می‌گذارند؟ دیپلماسی عمومی و تقویت مشروعیت بین‌المللی، از طریق تنظیم جریان اطلاعات و ارتباطات استراتژیک (مانند مصاحبه رئیس‌جمهور با تاکر کارلسون، ۱۶ تیر ۱۴۰۴)، نقش تعدیل‌کننده‌ای در کارآمدی تصمیم‌ها ایفا کرد. این سازوکارها با تقویت مشروعیت داخلی و جهانی،

بازدارندگی استراتژیک را در برابر فشارهای ژئوپلیتیکی حفظ کردند و فرضیه سوم (سازوکارهای حکمرانی بحران نقش تعدیل‌کننده دارند) را تأیید کردند. این یافته با تحلیل کوچک‌زاده و گودرزی (۱۴۰۰) درباره نقش دیپلماسی عمومی هم‌سوست و نشان می‌دهد که شفافیت نهادی و ارتباطات استراتژیک، از تشدید بحران جلوگیری کرده و زمینه‌ساز ثبات شدند (بهات و صبا، ۲۰۲۵). نوآوری این چهارچوب در استفاده از دیپلماسی عمومی به‌عنوان ابزاری برای مدیریت افکار عمومی جهانی در کنار بازسازی داخلی است.

سؤال چهارم: الگوهای بهینه تصمیم‌گیری در بحران‌های کوتاه‌مدت چیست؟ نظریه چرخه رهبری کلان، تلفیقی از قاب‌بندی بحران و تقویت انسجام ملی (روایت‌سازی)، یکپارچه‌سازی نهادها و منابع برای پاسخ سریع (بسیج منابع) و دیپلماسی عمومی و تقویت مشروعیت بین‌المللی (دیپلماسی و شفافیت) را به‌عنوان الگویی بهینه ارائه داد. این چهارچوب، با تعامل پویای این مؤلفه‌ها، در هر سه فاز بحران شامل شروع، اوج و پایان عمل کرد و فرضیه چهارم (ترکیب این سه مؤلفه چهارچوبی بهینه ارائه می‌دهد) را تأیید کرد. این الگو با تحلیل گلیبس (۲۰۲۴) درباره هویت اجتماعی در رهبری بحران هم‌راستا است، اما تمایز آن در انطباق با زمینه فرهنگی ایران و ارائه راهکارهایی برای مدیریت تهدیدات چندلایه در شرایط ژئوپلیتیکی پیچیده است. محدودیت دسترسی به داده‌های محرمانه، تحلیل را به گفتمان‌های آشکار محدود کرد، اما این چهارچوب همچنان الگویی عملیاتی برای آمادگی استراتژیک در برابر بحران‌های آینده فراهم می‌کند.

این چهارچوب نه‌تنها الگویی بومی برای سیاست‌گذاری دفاعی و امنیتی ایران ارائه می‌دهد، بلکه با تلفیق فرایندهای شناختی، نهادی و حکمرانی، به ادبیات جهانی مدیریت بحران کمک می‌کند. موفقیت این چهارچوب به توانایی آن در تلفیق این مؤلفه‌ها در شرایط فشرده زمانی بستگی دارد که می‌تواند به‌عنوان الگویی برای سایر نظام‌های حکمرانی در مواجهه با بحران‌های کوتاه‌مدت و چندلایه مورد استفاده قرار گیرد.

۶-۱. پیشنهادهای پژوهش

براساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر با اولویت‌بندی و جزئیات اجرایی برای تقویت مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت ارائه می‌شوند. این پیشنهادها با هدف عملیاتی‌سازی چهارچوب سه‌گانه و افزایش آمادگی ایران برای تهدیدات آینده طراحی شده‌اند:

۱. تقویت مهارت‌های شناختی رهبران (اولویت بالا)

نقش کلیدی قاب‌بندی شناختی در کاهش عدم‌قطعیت و تقویت انسجام ملی (کالینز و همکاران، ۲۰۲۳) ایجاب می‌کند که برنامه‌های آموزشی تخصصی برای نخبگان سیاسی و نظامی طراحی شود. این برنامه‌ها باید بر تحلیل سریع اطلاعات، مدیریت استرس در شرایط بحرانی و روایت‌سازی استراتژیک تمرکز کنند. پیشنهاد می‌شود:

- ✓ اقدام اجرایی: طراحی دوره‌های آموزشی ۶ ماهه در دانشگاه دفاع ملی با همکاری مراکز بین‌المللی (مانند آکادمی‌های مدیریت بحران در اروپا) برای شبیه‌سازی سناریوهای نظامی کوتاه‌مدت؛
- ✓ شاخص ارزیابی: افزایش ۳۰ درصدی دقت تصمیم‌گیری در شبیه‌سازی‌های بحران تا پایان سال ۱۴۰۵؛
- ✓ الهام از منابع: یافته‌های فراهی‌مندنیا و کریمیان کاکولکی (۱۴۰۴) درباره اثربخشی آموزش عملی در مدیریت بحران. این آموزش‌ها باید سالانه بازبینی شوند تا با تهدیدات نوظهور همگام باشند.

۲. ایجاد سازوکارهای دائمی هماهنگی نهادی (اولویت بالا)

هماهنگی نهادی، به‌ویژه از طریق تشکیل ستاد مدیریت بحران، نقش حیاتی در بسیج منابع داشت (بصیری و همکاران، ۱۴۰۱). پیشنهاد می‌شود:

- ✓ اقدام اجرایی: تأسیس ستاد دائمی مدیریت بحران ملی با نمایندگی از وزارتخانه‌های دفاع، بهداشت، اقتصاد و سازمان‌های امدادی، مجهز به پلتفرم‌های فناوری اطلاعات برای تبادل داده‌های بلادرنگ؛

- ✓ شاخص ارزیابی: کاهش زمان پاسخ‌دهی نهادی به کم‌تر از ۱۲ ساعت در شبیه‌سازی‌های بحران تا سال ۱۴۰۶؛
- ✓ اقدام تکمیلی: تشکیل کارگروه‌های بین‌نهادی در سطح استانی با تمرین‌های منظم سه‌ماهه برای هماهنگی محلی و ملی. این سازوکارها باید از فناوری‌های هوش مصنوعی برای پیش‌بینی و مدیریت بحران بهره ببرند (لبافی و همکاران، ۲۰۲۴).

۳. ارتقای آمادگی برای تهدیدات چندلایه (اولویت بالا)

ماهیت چندلایه بحران‌های مدرن نیازمند آمادگی پیش‌دستانه است. پیشنهاد می‌شود:

- ✓ اقدام اجرایی: برگزاری شبیه‌سازی‌های ملی و استانی سالانه با سناریوهای ترکیبی (نظامی، سایبری، طبیعی) و مشارکت نهادهای نظامی و غیرنظامی.
- ✓ شاخص ارزیابی: افزایش ۴۰ درصدی آمادگی نهادی در شبیه‌سازی‌ها تا سال ۱۴۰۷.
- ✓ اقدام تکمیلی: توسعه سامانه‌های هشدار زودهنگام با استفاده از هوش مصنوعی برای پیش‌بینی تهدیدات (لبافی و همکاران، ۲۰۲۴). این شبیه‌سازی‌ها باید با الهام از یافته‌های هالگرن و بوکانان (۲۰۲۴) طراحی شوند.

۴. تقویت دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای (اولویت متوسط)

دیپلماسی عمومی در تقویت مشروعیت و بازدارندگی استراتژیک نقش کلیدی داشت (کوچک‌زاده و گودرزی، ۱۴۰۰). پیشنهاد می‌شود:

- ✓ اقدام اجرایی: تشکیل تیم تخصصی دیپلماسی رسانه‌ای در وزارت امور خارجه با تمرکز بر تولید محتوای چندزبانه برای پلتفرم‌های جهانی (مانند X و یوتیوب). این تیم باید تحلیل احساسات کاربران را با الگوریتم‌های یادگیری ماشین ادغام کند (لبافی و همکاران، ۲۰۲۴)؛
- ✓ شاخص ارزیابی: افزایش ۲۵ درصدی تأثیرگذاری پیام‌های دیپلماتیک در رسانه‌های بین‌المللی تا پایان سال ۱۴۰۵؛

- ✓ اقدام تکمیلی: برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای دیپلمات‌ها جهت مدیریت افکار عمومی در بحران‌های کوتاه‌مدت. این اقدامات می‌توانند از تجربه مصاحبه رئیس‌جمهور با تاکر کارلسون (۱۴۰۴) الهام بگیرند.

۵. نهادینه‌سازی چهارچوب بومی سیاست‌گذاری (اولویت متوسط)

چهارچوب سه‌گانه پیشنهادی باید به‌عنوان الگویی برای سیاست‌گذاری دفاعی نهادینه شود. پیشنهاد می‌شود:

- ✓ اقدام اجرایی: تشکیل کارگروه پژوهشی در دانشگاه دفاع ملی و مرکز تحقیقات استراتژیک برای آزمایش چهارچوب در سناریوهای مختلف (مانند درگیری‌های سایبری یا بلایای طبیعی).
- ✓ شاخص ارزیابی: ارائه حداقل ۳ گزارش سیاستی مبتنی بر چهارچوب تا پایان سال ۱۴۰۶.
- ✓ اقدام تکمیلی: همکاری با پژوهشگران بین‌المللی برای تطبیق چهارچوب با استانداردهای جهانی مدیریت بحران (هالگرن و بوکانان، ۲۰۲۴). این کارگروه باید نتایج را به‌صورت سالانه به شورای عالی امنیت ملی ارائه دهد.

۶. بازسازی اجتماعی و اقتصادی پسابحران (اولویت متوسط)

حضور میدانی رئیس‌جمهور در تقویت اعتماد اجتماعی مؤثر بود (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). پیشنهاد می‌شود:

- ✓ اقدام اجرایی: طراحی برنامه‌های بازسازی محله‌محور با بودجه مشخص (حداقل ۱۰ درصد بودجه ملی سالانه) و نظارت شوراهای محلی برای جبران خسارات زیرساختی و انسانی؛
- ✓ شاخص ارزیابی: بازسازی ۸۰ درصد زیرساخت‌های آسیب‌دیده تا ۱۸ ماه پس از بحران؛
- ✓ اقدام تکمیلی: ایجاد صندوق ملی جبران خسارات با مشارکت بخش خصوصی برای تأمین مالی سریع بازسازی. این برنامه‌ها باید با مشارکت مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد اجرا شوند.

۷. تقویت تاب‌آوری روانی جامعه (اولویت متوسط)

روایت‌سازی پیروزی در فاز پایان بحران، تاب‌آوری روانی جامعه را تقویت کرد (وینتور، ۲۰۲۵). پیشنهاد می‌شود:

- ✓ اقدام اجرایی: ایجاد کمپین‌های رسانه‌ای ملی با تمرکز بر روایت‌های مثبت از مقاومت و بازسازی، با همکاری صداوسیما و رسانه‌های اجتماعی؛
- ✓ شاخص ارزیابی: افزایش ۲۰ درصدی شاخص اعتماد عمومی در نظرسنجی‌های ملی تا سال ۱۴۰۶؛
- ✓ اقدام تکمیلی: آموزش روان‌شناسان برای ارائه خدمات مشاوره‌ای رایگان در مناطق بحران‌زده؛
- ✓ این کمپین‌ها باید با تحلیل احساسات اجتماعی هماهنگ شوند (لبافی و همکاران، ۲۰۲۴).

این پیشنهادها، با اولویت‌بندی براساس فوریت (بالا: ۱، ۲، ۳؛ متوسط: ۴، ۵، ۶، ۷) و ارائه جزئیات اجرایی، چهارچوبی عملیاتی برای سیاست‌گذاران دفاعی و امنیتی ایران فراهم می‌کنند. این اقدامات می‌توانند آمادگی کشور را برای مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت و چندلایه تقویت کرده و تاب‌آوری ملی را در برابر تهدیدات آینده افزایش دهند.

فهرست منابع

برنا (۱۴۰۴، ۲۴ تیر). از پیگیری میدانی پزشکیان تا مدیریت بحران جنگ ۱۲ روزه. https://borna.news/fa/news/2237578

بصیری و همکاران (۱۴۰۱). بررسی نقش عوامل کلیدی سازمانی در پیاده‌سازی مدیریت دانش در سازمان‌های نظامی (مطالعه موردی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران). فصلنامه پژوهش‌های راهبردی ارتش، ۱(۲)، ۶۵–۹۲.

پایگاه اطلاع‌رسانی دکتر پزشکیان (۱۴۰۴، ۵ تیر). حضور فعال مردم در صحنه از مؤلفه‌های اصلی قدرت ملی ماست. https://drpezeshkian.ir/ID/32097

پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری (۱۴۰۴، ۲۴ خرداد). حملات رژیم صهیونیستی به ایران گواه ذات متجاوز این رژیم است. https://president.ir/fa/159796

تابناک (۱۴۰۴، ۵ تیر). تأکید پزشکیان بر تهیه آمار دقیق از خسارات جنگ ۱۲ روزه. https://www.tabnak.ir/fa/news/1314515

حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۸). تحلیل جامعه‌شناختی نقش و کارکرد اجتماعی نخبگان سیاسی (قدرت) در ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۸(۳۱)، ۱۲۱–۱۴۳.

دیپلماسی ایرانی (۱۴۰۴، ۱۶ تیر). مصاحبه پزشکیان با تاکر کارلسون. http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2033820/

عصر ایران (۱۴۰۴). ۸ نکته درباره حمله اسرائیل به ایران. https://www.asriran.com/fa/news/1068348

خبرگزاری مهر (۱۴۰۴، ۹ تیر). پزشکیان: دولت متولی اصلی جبران خسارات جنگ است. https://www.mehrnews.com/news/6516740

خبرآنلاین (۱۴۰۴، ۲۲ تیر). اظهارات مهم پزشکیان درباره تلاش برای جلوگیری از جنگ. https://www.khabaronline.ir/news/2089169

کوچک‌زاده و همکاران (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷). مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۱۱ (۴۳)، ۳۵۷–۳۸۴.

References

Abbasi, E. (2025). Political challenges and crisis management in the Islamic Republic of Iran: A comprehensive analysis. Discover Global Society, 3(1). https://doi.org/10.1007/s44282-025-00247-9

Albers, S., Marynissen, H., & Van Den Oord, S. (2024). Governing crises: Establishing stability in fluidity. Antwerp Crisis Issue Papers. https://research.tilburguniversity.edu/en/publications/governing-crisis-estabalishing-stability-in-fluidity

AP News. (2025, June). Iran's supreme leader makes first public appearance since Iran-Israel war started. https://apnews.com/article/iran-supreme-leader-khamenei-043446abab8fc658d46e5759ae18e58a

Axios. (2025, June 18). Khamenei to Trump: Iran will not surrender. https://www.axios.com/2025/06/18/trump-khamenei-iran-surrender-israel

Bacha, E., & Niesten, E. (2024). Cognitive capabilities of moral leaders in turbulent environments: A review, theory integration and way forward. Journal of Managerial Psychology, 39(8), 1046–1062. https://doi.org/10.1108/JMP-07-2023-0393

Bhat, Z. H., & Saba, N. (2025). Navigating turbulence: Leadership evolution in crisis management through response–recovery frameworks. International Journal of Organizational Analysis. Advance online publication. https://doi.org/10.1108/IJOA-02-2024-4254

Buzan, B. (1991). People, states and fear: An agenda for international security studies in the post-cold war era (2nd ed.). Harvester Wheatsheaf.

Charmaz, K. (2014). Constructing grounded theory. London: SAGE Publications Ltd. http://digital.casalini.it/9781446297223

Collins, M. D., Dasborough, M. T., Gregg, H. R., Xu, C., Deen, C. M., He, Y., & Restubog, S. L. D. (2023). Traversing the storm: An interdisciplinary review of crisis leadership. The Leadership Quarterly, 34(1), 101661. https://doi.org/10.1016/j.leaqua.2022.101661

Denzin, N. K. (2009). The research act: A theoretical introduction to sociological methods (1st ed.). Routledge. https://doi.org/10.4324/9781315134543

Dino, C., Ismail, H., & Nori, R. (2024). Crisis leadership and its role in organizational immunity: An exploratory study of the opinions of a sample of faculty members at technical universities in the Kurdistan Region of Iraq. Humanities Journal of University of Zakho, 12(2), 280–302. https://doi.org/10.26436/hjuoz.2024.12.2.1303

Farahmandnia, I., & Karimiankakolaki, Z. (2025). Effectiveness of the educational-operational intervention of the crisis management in earthquake simulation conditions in prehospital emergency personnel: A randomized controlled trial study. BMC Health Services Research, 25(1), 1173. https://doi.org/10.1186/s12913-025-13376-3

Gleibs, I. H. (2024). A social identity approach to crisis leadership. British Journal of Social Psychology. https://doi.org/10.1111/bjso.12805

Hällgren, M., & Buchanan, D. A. (2024). Leadership in a continuous crisis. Journal of Contingencies and Crisis Management. https://doi.org/10.1111/1468-5973.12628

Hamid, A. S. (2024). Internal crisis communication: Exploring antecedents and consequences from a managerial viewpoint. Frontiers in Communication, 9, 1–12.

Hsieh, H.-F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. Qualitative Health Research, 15(9), 1277–1288. https://doi.org/10.1177/1049732305276687

Institute for the Study of War. (2025, June 19). Iran update special report, June 19, 2025, evening edition. https://www.understandingwar.org/backgrounder/iran-update-special-report-june-19-2025-evening-edition

Jerab, D. A. (2024). Exploring crisis management. SSRN Electronic Journal. https://doi.org/10.2139/ssrn.4809825

Khamenei.ir. (2025). Speeches. https://english.khamenei.ir/service/Speeches

Labafi, S., Rabiei, L., & Rajabi, Z. (2024). Detection and classification of Twitter users' opinions on drought crises in Iran using machine learning techniques. arXiv. https://arxiv.org/abs/2409.07611

Schaedler, L., Graf-Vlachy, L., & König, A. (2022). Strategic leadership in organizational crises: A review and research agenda. Long Range Planning, 55(2), 102156. https://doi.org/10.1016/j.lrp.2021.102156

The Jerusalem Post. (2025). Khamenei's fantasy world: Speech shows a supreme leader detached from reality – analysis. https://www.jpost.com/middle-east/article-859152

Wintour, P. (2025, September 7). 'The people stood up': How war turned Iran towards 'everyday nationalism'. The Guardian. https://www.theguardian.com/world/2025/sep/07/the-people-stood-up-how-war-turned-iran-towards-everyday-nationalism